

مبارزه برای تامین حقوق و آزادی های دموکراتیک

بیان، اندیشه و احزاب و مخالفت با سانسور و ممیزی به انواع مختلف و در اشکال گوناگون در تبلیغات انتخاباتی به چشم می خورد. در واقع موج نیرومند نارضایتی اجتماعی از سیاست های رژیم ولایت فقیه و عملکرد ارتجاع حاکم، نامزدهای این دوره انتخابات را وادار به مانور بر روی این خواست های عام کرده که به نوبه خود نشانگر اهمیت فوق العاده تامین حقوق عام دموکراتیک در اوضاع کنونی است. انتشار منشور حقوق بشر میرحسین موسوی و بیانیه او در مورد اقوام ایرانی و توسعه متوازن اقتصادی و اجتماعی در مناطق قومی و مرزی، تاکید بر قانون گزایی و مبارزه با همه مظاهر قانون گریزی و بی اعتنائی و پامال ساختن حقوق افراد جامعه در کنار شعارهای تبلیغاتی مهدی کروبی در

ادامه در صفحه ۳

باید با تمام توان با توطئه های ارتجاع برای پامال کردن رای مردم و دخالت در انتخابات مقابله کرد!

حوادث آخرین روزهای کارزار انتخاباتی به حق نگرانی های وسیع مردم و نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را برانگیخته است. حملات گروه های مزدور و وابسته به نیروهای سپاه و بسیج به همایش های انتخاباتی نیروهای اصلاح طلب و تلاش برای تشدید درگیری ها و به وجود آوردن حالت فوق العاده، که می تواند پنهانی برای دخالت آشکار سپاه و نیروهای انتظامی در انتخابات و مخدوش کردن آرای مردم باشد، در کنار گزارش های رسیده از جلسه ناظران شورای نگهبان در اصفهان، برای توجیه آنها در دفاع از احمدی نژاد، و همچنین تدارکات گسترده نیروهای سپاه برای دخالت در روز رأی گیری، از جمله مجموعه خبری است که نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت. اخبار دخالت های برنامه ریزی شده آنچنان نگران کننده است که میرحسین موسوی، یکی از نامزدهای اصلاح طلبان با ارسال نامه ای به خامنه ای در این زمینه هشدار داد و از جمله اعلام کرد: "از آنجا که احتمال می رود در واکنش به اقبال مردمی امواج جدید پرونده سازی و ارباب مردم و ایجاد تهدید و جوسازی علیه

ادامه در صفحه ۵

یکی از خواست های اساسی جنبش مردمی در پیکار بر ضد رژیم ولایت فقیه، تامین و تضمین حقوق و آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی است. در اوضاع کنونی خواست های عام دموکراتیک یکی از مهمترین عرصه های مبارزه قلمداد می گردد و بنابراین امکان تجهیز و سازماندهی جنبش بر پایه این امر به دلایل متعدد عینی و ذهنی وجود داشته و دارد.

همین واقعیت در کارزار انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری بار دیگر به وضوح خود را نشان داد و شاهد آن هستیم که تاکید بر تضمین حقوق دموکراتیک، حق شهروندی، رعایت حرمت انسان و خواست های مشخصی چون آزادی زندانیان سیاسی، برچیدن گشت های ارشاد و پایان دادن به مداخله در زندگی خصوصی و اجتماعی افراد و نیز آزادی اجتماعات، آزادی



شماره ۸۱۸، ۱۸ خرداد ۱۳۸۸
دوره هشتم، سال بیست و سوم

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری

ضرورت همکاری و مبارزه مشترک نیروهای مدافع اصلاحات، آزادی، و عدالت اجتماعی برای شکست نامزدهای انتخاباتی ولی فقیه و واپس گرایان حاکم

گردیده است، در کنار حیف و میل بی سابقه درآمد نجومی نفت، در چهار سال گذشته، توسط نهادهای انگلی، وابستگان سران رژیم و دستگاه های نظامی - انتظامی، و همچنین گسترش جو اختناق و ترور و حملات مداوم بر ضد جنبش کارگری، زنان و جوانان و دانشجویان کشور، و تشدید فشار بر اقلیت های ملی و مذهبی، در مجموع نارضایتی بسیار گسترده و عمیقی را بر ضد رژیم ولایت فقیه و دولت برگمارده آن دامن زده است. ادعای بی پایه ای نیست اگر بگوییم دولت محمود احمدی نژاد از جمله ارتجاعی ترین دولت های تاریخ سی سال رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

تفاوت های دهمین دوره انتخابات با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴

نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۴، در شرایط بسیار متفاوتی از اوضاع کنونی برگزار شد. کمبودهای جدی دوران هشت ساله دولت خاتمی، عدم توانایی این دولت در تحقق قول های داده شده و پیشبرد امر اصلاحات، بی عملی در زمینه رسیدگی به وضعیت قشرهای محروم، خصوصاً کارگران و زحمتکشان، سبب شد که بخش های وسیعی از نیروهای اجتماعی دلسرد و

ادامه در صفحه ۶



هم میهنان گرامی! دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، در روزهای آینده، در شرایط حساسی برگزار می شود. چهار سال پس از روی کار آمدن دولت ضد مردمی و عمیقاً واپس گرای احمدی نژاد، رئیس جمهور برگمارده ولی فقیه و نماینده مستقیم نیروهای نظامی - انتظامی کشور، اکثریت قاطع مردم در شرایطی به مراتب وخیم تر از پیش از روی کار آمدن این دولت و در حالی که با فشارهای کمر شکن اقتصادی، محرومیت شدید و فقر رو به رویند به پای صندوق های رای می روند. سیاست های مخرب اقتصادی که موجب ورشکستگی بخش تولیدی کشور، رشد فزاینده بیکاری و تورم افسار گسیخته

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه مصاحبه "نامه مردم" ...

بدرود رفیق بنایی



علی اصغر بنایی معروف به اصغر آقا در ۲۶ آذر ماه ۱۳۱۱ در شهر بهشهر در یک خانواده کارگری و پر اولاد دنیا آمد.

وی در خانواده‌ای کارگر متولد شد و با مشقت‌های کارگری روزگار گذراند. در سال ۱۳۲۷ پس از روشنگری درونی به سازمان جوانان حزب توده پیوست و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد با ادامه فعالیت‌های خود در سال ۱۳۲۹ برای معالجه بیماری ربوی به تهران آمده و در بیمارستان نیز به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه می‌دهد، تا جایی که یکی از بیماران بستری در اتاق وی گرایش به عقاید آزادی‌طلبی کرد و پس از مرخصی از بیمارستان به حزب پیوست. در سال ۱۳۳۱ پس از دو سال بیماری و بستری بودن در بیمارستان به زادگاه خود بازگشت و فعالیت‌های خود را از سر گرفت. در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ عده‌ای از نظامیان به خانه پدری اش حمله کرده و با اعمال خشونت پدرش را وادار به اقرار کردند. او که در نزدیکی بهشهر نزد خاله خود مخفی شده بود توسط نظامیان و یک جاسوس دستگیر و در حیاط خانه خود شکنجه شد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت‌های علنی سیاسی وی آغاز گردید، که وی به عنوان مسئول بهشهر و مسئول ایالتی مازندران فعالیت خود را از سر گرفت. در سال ۱۳۶۰ به جرم عدالت‌خواهی از کار اخراج و از شهر خود جلائی وطن کرد. نامبرده نامزد دور اول مجلس شورای ملی شد و به همین خاطر تا همین اواخر تحت تعقیب بود و به مدت ۱۰ سال دور از خانواده و محروم از دیدار آنها به کار نقاشی ساختمان و کارگری در قسمتهای مختلف پرداخت.

در طی این سالها از مطالعه و تکامل فکری دست برنداشت. به لحاظ شخصیتی دقیق، متفکر، اندیشمند، و دارای اندیشه‌ای پولادین و غیر قابل نفوذ بود، اما در تمامی مراحل زندگی هر نوع قشر و هر گروهی با او احساس راحتی می‌کردند ثبات عقیده داشت و برای همه ارزش و احترام قائل بود. و سرانجام در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ با لیخنندی برب و آرزوی آزادی برای همه چشمانش را بر روی دنیا بست. اما یادش همواره با ماست و کلامش ظهور بیدادگری.

آفریقای جنوبی خواهد بود، و این صرفاً به این دلیل نیست که حزب کمونیست چنین می‌خواهد، بلکه ناشی از شرایط مادی و عینی موجود است که چنین رهبری‌ای را می‌طلبد، و نیز اینکه به دلیل تضادهای موجود دیگر کنگره ملی نمی‌تواند چنین مسئولیتی را به پیش ببرد.

نامه مردم: اگر منظورتان را درست متوجه شده باشم، شما معتقدید که وظیفه تاریخی به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک ملی بر عهده کنگره ملی آفریقا است. همین طور است؟

کریس ماتلهاکو: برای حزب و از لحاظ دیگر نیروها در جنبش درست همین طور است که گفتید. اما برای گروه‌های ماورای چپ درک رابطه میان حزب کمونیست و کنگره ملی بسیار دشوار است. ما این رابطه را راه مستقیم خود به سوی سوسیالیسم می‌دانیم. شعار محوری ما اینست که "فردا (آینده) به سوسیالیسم تعلق دارد. امروز آن را بساز." این شعار به ما در ساختن عناصر سوسیالیسم و بنای یک نظم سوسیالیستی در آفریقای جنوبی همین حالا و در همین شرایط کمک می‌کند. به این ترتیب، چالش و وظیفه همه نیروهای پیشرو این است که اطمینان حاصل کنند که کنگره ملی به وظیفه تاریخی خودش عمل خواهد کرد. کنگره ملی در خط مشی‌های راهبردی‌اش، حتی اگر تا سال ۱۹۹۶ نیز به عقب بازگردیم، می‌بینیم که این امر را مورد توجه قرار داده است و بر موضوعیت و اهمیت تاریخی سوسیالیسم به عنوان عادلانه‌ترین نظام اجتماعی تأکید کرده است؛ نظامی که به مسئله استثمار انسان از انسان و از میان بردن آن می‌پردازد.

نامه مردم: در مورد استقرار سوسیالیسم در آینده و اینکه حزب نقش خود را در به ثمر رساندن آن چگونه می‌بیند، اشاره‌ای داشتید. سؤالی که در اینجا مایلیم از شما بپرسم این است که از سال ۱۹۹۴ که حزب فعالیت قانونی‌اش را دوباره آغاز کرد، حزب برای گسترش و بهبود عملکرد و فعالیت‌هایش، چه از لحاظ عضوگیری و افزایش قدرت تشکیلاتی و بدنه حزب، و چه از لحاظ نفوذ سیاسی در جامعه آفریقای جنوبی، چه اقداماتی کرده است؟

کریس ماتلهاکو: ببینید، پیش از سال ۱۹۹۴ حزب همیشه جایگاه برجسته‌ای در میان نیروهای مترقی چه در داخل کشور و چه در تبعید داشت، چرا که کادرهای حزب از لحاظ نظری و اندیشه‌ای برجسته‌ترین نیروهای سیاسی محسوب می‌شدند، و همچنین به این دلیل که حزب این وظیفه را در برابر خودش قرار داده بود که کادرهایی تربیت کند که برای انجام هرگونه وظیفه‌ای در نهضت آزادی‌بخش ملی همواره جلودار و در صف اول باشند. برای نمونه، کادرهایی داشتیم که جزو افسران و فرماندهان و کادرهای رهبری شورای نظامی انقلابی در بطن کنگره ملی آفریقا بودند. رهبران حزب تقریباً در همه رده‌ها و وجوه سازمانی کنگره ملی آفریقا در تبعید شرکت فعال داشتند. در داخل کشور نیز حزب همیشه از اعتباری والا و آوازه‌ای بلند برخوردار بود. به همین سبب، در پی لغو غیرقانونی بودن حزب و آغاز فعالیت قانونی آن در سال ۱۹۹۴، شمار زیادی از مردم به آن پیوستند. زمانی رسید که شمار اعضای حزب در حدود نود تا صد هزار نفر تخمین زده می‌شد. در کنگره‌ای که اندکی بعد تشکیل شد، حزب پاسخگویی به یک مسئله بسیار مهم و راهبردی را ضروری تشخیص و در دستور کار کنگره قرار داد، و آن اینکه آیا حزب باید یک حزب همه خلقی و توده‌ای باشد یا یک حزب پیشاهنگ طبقه کارگر. بحث‌های کنگره منجر به این نتیجه شد که حزب کمونیست آفریقای جنوبی خود را یک حزب توده‌ای پیشاهنگ می‌داند، که از یک سو قائل به شرکت در مبارزه مردم عادی کشور است، ولی از سوی دیگر هم باید وظیفه حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان را به عهده بگیرد و پیش ببرد. بنابراین، حزب نه فقط مسئولیت آگاهی‌رسانی سیاسی به کل طبقه کارگر و زحمتکشان را دارد، بلکه وظیفه دارد که یک برنامه دراز مدت برای طبقه کارگر فرمولبندی کند. به این ترتیب بود که حزب برای تأمین رشد کنترل شده خود تصمیم‌هایی گرفت و اقداماتی را برنامه‌ریزی کرد. تا زمان برگزاری کنگره ۱۱ در سال ۲۰۰۲، تعداد اعضای حزب بالغ بر ۴۵ هزار نفر بود. در آن کنگره ما عزم راسخ و قاطع خود را برای تشدید فعالیت‌هایمان اعلام کردیم به طوری که تا کنگره بعدی، یعنی کنگره ۱۲، شمار اعضای حزب که حق عضویت پرداخت می‌کردند به ۷۵ هزار رسید. طبق تازه‌ترین آمارها، تعداد اعضای حزب ۸۰ هزار نفر است. وظیفه دیگری که ما در برابر خود قرار دادیم، معین کردن تعریف‌مان از حزب و حزبی بودن و فعالیت حزبی بود. بر این اساس، اعضای حزب باید دارای این مشخصات باشند: شخصی که به حزب می‌پیوندد متعهد می‌شود که عضو فعال حزب باشد و در تمام حوزه‌ها و جلسه‌های تشکیلاتی شرکت کند؛ حق عضویت خود را به طور مرتب و بدون وقفه بپردازد؛ در برنامه‌های کنگره ملی آفریقا و کنفدراسیون سندیکاها، و نیز فعالیت‌های همبستگی بین‌المللی شرکت کند. اینها مشخصات یک عضو کامل حزبی است. این اعضا و افراد حزبی هستند که کارهای روزانه حزب را به پیش می‌برند. اما حیطة نفوذ حزب از اعضای آن فراتر می‌رود. حزب در میان ۳ میلیون اعضای کنفدراسیون سندیکاها نیز نفوذ دارد، و به این ترتیب فعالیت‌هایش بخش بزرگی از طبقه کارگر آفریقای جنوبی را نیز در بر می‌گیرد. روند دیگری که این روزها توجه ما را به خود جلب کرده است، گرایش کارگران سفیدپوست به حزب کمونیست، و نه کنگره ملی آفریقا، است. به نظر ما این تحول بسیار مثبتی است و به ما امکان می‌دهد که نقش پیشاهنگ تمام مردم را به عهده بگیریم، صرف نظر از اینکه طبقه کارگر در کجای کشور و در چه بخش نژادی جامعه باشد. این نقش ما و گستره نفوذ ما مرزهای نژادی، عقیدتی و رنگ پوست را نیز در می‌نوردد. اینها همه آزمون‌هایی هستند که حزب در آنها شرکت می‌کند و تجربه‌هایش را به کار می‌گیرد. تشکیلات حزبی نیز در نظر ما از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در یکی دو سال گذشته ما توجه زیادی به تشکیلات و مسائل تشکیلاتی حزب کرده‌ایم و شور و اشتیاق و آگاهی سیاسی را به حد بسیار بالایی ارتقا داده‌ایم. در نتیجه این تلاش ما توانسته‌ایم کادرهایی قوی تربیت کنیم که حزب می‌تواند روی آنها حساب کند و به آنها متکی باشد. به اعتقاد ما، اگر بدترین حالت را هم در نظر بگیریم و با حمله به حزب و کشتار ضدکمونیستی روبرو بشویم، همین اعضای حزب در خط مقدم دفاع از تشکیلات و یکپارچگی حزب، دفاع از آرمان‌هایی که حزب برای آن مبارزه می‌کند، و دفاع از کمونیسم به طور کلی، قرار خواهند گرفت.

نامه مردم: به خاطر وقتی که در اختیار ما گذاشتید متشکریم.

ادامه مبارزه برای تأمین حقوق ...

خصوص رعایت حقوق اقوام ایرانی و تغییر قانون ممیزی و جزاینها، همگی از وجود موج نیرومند برای تأمین خواست های دمکراتیک توده های وسیع مردم حکایت می کند.

اعمال سیاست های واپس گرایانه و سرکوب کلیه حقوق دمکراتیک طی سه دهه اخیر توسط رژیم ولایت فقیه، آنچنان وضعیتی را پدید آورده که تأمین آزادی های دمکراتیک یکی از الویت های مبارزه در راه طرد رژیم استبدادی کنونی و حرکت به سمت ایجاد تحولات بسود توده های محروم جامعه است و به همین علت مبارزه با کنترل پلیسی جامعه، سرکوب آزادی های دمکراتیک، پایمال کردن حقوق مردم و پیگرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام و اعمال ستم ملی بر خلق ها، زیر پاگذاشتن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان، تبعیض جنسیتی بر نیمی از مردم کشور، پایمال کردن حقوق کارگران و دهقانان و جلوگیری از تشکیل صنفی آزادانه آنها در سندیکاها و اتحادیه ها، سانسور وحشتناک و فرهنگ سیزی، در وضعیت فعلی یک وظیفه عاجل و غیر قابل چشم پوشی است که درعین حال دارای ماهیتی ضداستبدادی به معنای دقیق کلمه در چارچوب هدف های مرحله ملی - دمکراتیک به شمار می آید.

به عبارت دیگر تأمین آزادی و حقوق دمکراتیک ارتباط گسست ناپذیر با سازماندهی توده های وسیع مردم و در راس آنها زحمتکشان برای مبارزه برای تحولات در جامعه دارد. ما بارها تأکید کرده ایم، فقط با نیروی متشکل و سازمان یافته توده های میلیونی می توان بر استبداد و ارتجاع حاکم غلبه کرد و برای سازماندهی مردم نیز تأمین خواست های عام دمکراتیک ضروری است! به خودی خود پیدا است که مبارزه در این عرصه از چه اهمیتی برخوردار بوده و این خواست های عام منافع طیف گسترده ای از نیروهای اجتماعی را دربر می گیرد که می توان و باید با الویت قراردادن آنها، پایه های نزدیکی و اتحاد عمل را در پیکار با استبداد و ارتجاع فراهم ساخت.

در ماه های اخیر و طی کارزار انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری بخشی از نیروهای سیاسی زیر پوشش دفاع از حقوق مردم از برنامه ای حمایت می کنند که تأمین خواست های مردم را در پیوند با خصوصی سازی، مقررات زدایی و به ویژه خصوصی سازی و تغییر مالکیت در صنعت ملی نفت ارزیابی و معرفی می سازد. به گمان ما چنین دید و برداشتی کاملاً غلط و غیر علمی است. صرف نظر از جریانات سیاسی که نماینده لایه هایی از سرمایه داری ایران محسوب می شوند و از چنین برنامه ای با انگیزه و منافع طبقاتی خود پشتیبانی می کنند، حمایت سایر جریانات از چنین برنامه هایی به سود مبارزه بر ضد استبداد و برای تأمین آزادی و حقوق دمکراتیک فردی و اجتماعی نیست و نمی تواند باشد. در این زمینه پایگاه خبری - تحلیلی رستاک که به هواداران و مدافعان نظریه های نولیبرالی در ایران تعلق دارد، در مطلبی با عنوان "اقتصاد دولتی سد راه انتخابات آزاد و سالم" به تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه امسال از جمله نوشت: "... یکی از بازدارنده ترین و سترگ ترین سدهای پیش روی انتخابات آزاد و سالم، حاکمیت اقتصاد دولتی در جامعه ها است. . . اقتصاد دولتی به طور ذاتی با انتخابات آزاد تناقض دارد". سپس در ادامه مطلب با تأکید بر اینکه در نظام های مبتنی بر اقتصاد آزاد، " رفتار کاندیداها برای تصدی یک مقام سیاسی از راه انتخابات، تا حدودی شبیه به عرضه کنندگان کالاها خصوصی است"، می افزاید: "کاندیداها تصدی یک منصب سیاسی در جامعه های با اقتصاد آزاد هرگز جرات نمی کنند بدون اینکه زمینه آماده باشد، وعده ای به رای دهندگان بدهند و آنها را در گرداب هیجان و التهاب بکشانند. . . در جامعه های با اقتصاد دولتی اما کاندیداها. . . بدون واهمه و مطالعه، وعده های سیاسی و اقتصادی هیجان انگیز داده و ذهنیت رای دهندگان را تخریب می کنند. . .". در آخر هم نتیجه می گیرد راه تأمین یک انتخابات آزاد و سالم در جمهوری اسلامی، خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ است!!!

همچنین در پشتیبانی از طرح مهدی کروی برای خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران اعلام می شود: "مادام که شاهرگ حیات دولت و شرط دوام نیرومندی همین نفت باشد، دمکراسی در ایران افسانه خواهد بود. تا مالکیت نفت حل نشود و موجودیت دولت از مالکیت انحصاری بر نفت مرتفع نشود، انتظار دمکراسی و دولت دمکراتیک بیجاست. اصلاً نباید گفت که نفت ملی بوده، دولتی بوده! حالا باید ملی سهمی (بخوان خصوصی) شود. . .".

چنین دیدگاه و برداشتی از برقراری دمکراسی و تأمین حقوق و آزادی های

دمکراتیک به شدت با سرشت و مفهوم دمکراسی و آزادی در تقابل قرار دارد.

در رابطه با علت ارایه برنامه هایی از این دست، و همچنین پیشنهاد تقسیم درآمد نفت میان مردم، که از سوی احمدی نژاد مطرح شده است، توضیح کوتاهی ضروری است، زیرا بدون درک از ریشه و علت ارایه چنین برنامه هایی، نمی توان ماهیت واقعی اینگونه تبلیغات انتخاباتی را افشا کرد و افکار عمومی به ویژه توده های محروم جامعه را از خطرات این برنامه ها آگاه ساخت.

خصوصی سازی صنعت ملی نفت با عنوان تقسیم درآمدهای نفتی میان مردم و یا انتشار اوراق مشارکت برای توزیع سود نفت میان ایرانیان که اخیراً توسط دولت ضدملی احمدی نژاد طرح گردیده، در چارچوب زمانی - تاریخی مشخصی قرار دارد. به این معنا که این برنامه ها در پیوند با ابلاغیه اصل ۴۴ و مقررات زدایی و شعار استقلال بانک مرکزی معنا داده و مطوف به تلاش لایه های معینی از سرمایه داری ایران است. در دهه چهارم حیات رژیم ولایت فقیه با توجه به تسلط نظریه های نولیبرالی در سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم، موفقیت اجرای این سمت گیری برای پیوستن به ارایه جهانی شدن سرمایه داری مستلزم اصلاحات سیاسی و تعریف مجدد بسیاری از حوزه های سیاسی و قوانین جمهوری اسلامی است. طرح شعارهایی مانند خصوصی سازی صنعت نفت و استقلال بانک مرکزی، بخشی از برنامه کلی نولیبرالی برای گسترش و ژرفای ارزش ها و قوانین انضباطی تخطی ناپذیر مبنی بر اقتصاد بازار آزاد در تمامی ارکان جامعه است. تقسیم درآمد نفت یا اوراق مشارکت برای توزیع سود نفت بین مردم، واقع ایجاد رابطه ی نوین در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی در ساختار حاکمیت است و به شدت امکانات دمکراتیک را تضعیف می کند. نولیبرالیسم با این برنامه ها و در پشت ماسک تأمین " آزادی و دمکراسی" چارچوبی قانونی و حقوقی برای بازتولید دایم خود یعنی بازاری کردن و مصرف گرا ساختن جامعه پدید می آورد. با این چنین برنامه هایی، نهادها و ارگان هایی به لحاظ قانونی تقویت می شوند که اولاً دسترسی ناپذیرند و به دور از حوزه تصمیم گیری و تأثیر گذاری توده های وسیع مردم قرار می گیرند و ثانیاً جز تشدید نابرابری و بی عدالتی و تحدید حقوق و آزادی های دمکراتیک بویژه برای توده های محروم جامعه، نتیجه ای به بار نخواهد آورد.

بنابراین خصوصی سازی صنعت نفت نه تنها راه چاره نیست، بلکه در تضاد با ارزش های دمکراتیک و حقوق مردم در تعیین سرنوشت خویش قرار دارد. این سیاست، برخلاف تبلیغات پُرسروصدا، بازتاب دهنده منافع قشرهای میانه حال جامعه نیز نیست، زیرا محدود شدن حقوق دمکراتیک در جامعه که از پیامدهای این برنامه است، فشار مضاعفی را بر قشرهای میانه حال وارد ساخته و باعث پایمال شدن منافع و حقوق آنها می گردد. تأمین حقوق و آزادی های دمکراتیک به عنوان یک الویت تکرار می کنیم یک الویت در مبارزات کنونی مردم، نه از مسیر خصوصی سازی و چوب حراج بر ثروت ملی، بلکه بر پایه اصلاح و تغییر ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد و خودکامگی در لباس ولایت فقیه به عنوان سد اساسی راه تکامل و پیشرفت جامعه امکان پذیر است. با حفظ چنین ساختار پوسیده و به شدت ضد مردمی و ضد دمکراتیک، خصوصی سازی صنایع کلیدی و مادر مانند صنعت ملی نفت ایران، به تشدید دیکتاتوری، محدود شدن آزادی های اساسی و نابودی حق حاکمیت ملی منجر خواهد شد.

به باور ما، سازماندهی سیاسی جامعه به قصد دمکراسی و اعمال حاکمیت واقعی مردم و تأمین حقوق عام دمکراتیک به ویژه برای زحمتکشان و توده های محروم جامعه، زمینه های ضرور برای دگرگونی های بنیادین به شمار می آید و در خدمت آماج های مرحله انقلاب ملی - دمکراتیک قرار دارد و این مهم با حراج ثروت ملی، شکل گیری نهادهای غیر دمکراتیک ناشی از خصوصی سازی صنایع مادر و راهبردی، به ویژه نفت و گاز در تقابل قرار داشته و ناممکن است!



واحد گروگان ارتجاع حاکم محسوب می شود. ما در کنار خانواده و دیگر بستگان منصور اسانلو و نیز سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر نهادهای نیروهای صنفی و سیاسی کشور نسبت به خطراتی که جان وی را در زندان تهدید می کند ابراز نگرانی کرده و آزادی فوری و بی قید و شرط اسانلو را خواستاریم!



جان منصور اسانلو در خطر است!

بنا به گزارش های موثق از جمله اعلام رسمی خانواده منصور اسانلو رهبر زندانی هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، جان وی در زندان اوین با خطرات جدی روبرو است. خانواده این فعال سندیکایی که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی کارگران ندارد، از وکلای اسانلو خواسته اند نسبت به اوضاع نا امنی که در سلول های زندان برای او ایجاد شده، واکنش به خرج داده و حداقل مرخصی و آزادی مشروط وی را طلب کنند. همسر اسانلو خاطرنشان ساخته، چندی پیش در داخل محوطه زندان افراد ناشناسی به منصور اسانلو حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و ماموران و مسئولان بازداشتگاه نیز در برابر اعتراضات هیچ عکس العملی نشان ندادند. علاوه بر حمله عناصر ناشناس و خطرات ناشی از تکرار چنین صحنه هایی که به هیچ وجه بعید نیست، پزشکان نسبت به سلامتی این فعال سندیکایی با توجه به وضعیت زندان نگران هستند. در طی چند ماه اخیر، برای سومین بار پزشک قانونی رسماً عدم توانایی جسمانی منصور اسانلو برای تحمل حبس و زندان را مورد تأکید قرارداد و باز هم مسئولین دادستانی و اوین با بی توجهی عمدی از این هشدار پزشکی چشم پوشی کردند. منصور اسانلو از فعالین جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما است که از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام واهی به ۵ سال زندان محکوم شده که سه سال آن با بدون یک روز مرخصی پشت سر گذاشته است.

برخورد با اسانلو و ادامه بازداشت او، بخشی از سیاست کلی رژیم برضد جنبش کارگری کشور است. در واقع رهبر سندیکای کارگران شرکت

آزادی برای همه دانشجویان در بند!

وقتی سروش سخن می گوید...

پس از سخنان محمود دولت آبادی نویسنده شهیر میهن ما در یک نشست انتخاباتی حامیان میرحسین موسوی و تأکید او بر آزادی بیان و اندیشه، عبدالکریم سروش در یک واکنش خشم آلود و طی یک نامه سراسر توهین، افترا و تهمت دولت آبادی را مورد حمله قرار داد. پی بردن به علت چنین برخورد توهین آمیزی از سوی سروش چندان دشوار نیست و اصولاً عبارات به کار گرفته شده از سوی او علیه دولت آبادی تازگی ندارد و باعث شگفتی نمی شود. محمود دولت آبادی در سخنانی که سروش به آن واکنش نشان داده از جمله گفته بود: "... من نیامده ام برای کسی تبلیغ کنم چرا که این کاره نیستم ... فقط می خواهم مروری داشته باشم بر دورانی که در آن به طرز مضاعفی پیر شدیم، یعنی ما را پیر کردند و خواستند که بمیرانند ... من نویسنده مملکت ایران هستم. از نظر من انقلاب فرهنگی اقدامی غیرقانونی بوده است و به هیچ وجه مشروعیت ندارد. ... آن انقلاب فرهنگی باعث شد تا جامعه فرهنگی ایران از مغز تهی شود ... انقلاب فرهنگی که شیخ آن دکتر سروش بود تقلیدی مضحک از امری سخیف بود که در چین انجام شده بود ...". این سخنرانی علاوه تذکر به سروش که "آقای سروش، شما علمدار رفتار شیعی شدید که باعث شد بهترین فرزندان این مملکت بگذارند بروند ...". ظاهراً برای ستاد انتخاباتی مهدی کروبی و شخص سروش گران تمام شد و آنها وادار به واکنش توأم با توهین، افترا و ناسزا کرد. روزنامه اعتماد ملی دوشنبه، ۲۸ اردیبهشت ماه، در صفحه اول در کنار پاسخ سروش و نامه توهین آمیز او، کاریکاتور دولت آبادی و سروش را نیز منتشر ساخت که در آن دولت آبادی بر آشفته و پریشان ترسیم شده و سروش آراسته سیما با نگاهی تیز به مردی آشفته و نگران می نگرد! در نامه سروش، دولت آبادی به "خفته ای در غار"، "بی ادب با سخافت و شناخت"، "دغل کار و متکبر"، "یاوه گو و گزافه گو"، "کالدیاتور" متهم شده و به باد بدترین دشنام ها گرفته شده است. سروش خطاب به دولت آبادی می نویسد: "باری شیخ ستاد بودن نه حسن است، نه عیب، آنکه عیب است دروغ زنی و در بزرگی و چالپوسی کردن و سابقه استالینی داشتن و فرصت طلبانه ژست آزادی خواهی گرفتن است ...".

موضع گیری سروش و جملات به کار گرفته شده در نامه توهین آمیز او ماهیت واقعی افکار و اندیشه او را به عنوان مروج و پیرو راستین کارل پوپر بر ملا می سازد. درپس ظاهر "آزادی خواه" مدافعان "جامعه باز" سرشت ستیزه جو و ویرانگری نهفته است که با آزادی واقعی انسان در تضاد قرار دارد. به علاوه نوع فرهنگ به کار برده شده در نامه سروش، فرهنگ غالب در رژیم ولایت فقیه است و او در این زمینه آینه تمام نمای "تقوا" و "اخلاق" نظریه پردازان دیروز و امروز جمهوری اسلامی است! در ادبیات غنی ایران، ضرب المثل جالبی وجود دارد که اشاره بر اصالت و سلامت نفس می کند:

کی شود سنگ بدگهر، گوهر از خود بد گهر نگیرد فر

درعین حال واکنش سروش و مقایسه آن با "آزادی خواهی" و "آزاد اندیشی" ادعایی وی یادآور این سخن حکیم فرزانه توس فردوسی است:
درختی که تلخست ویرا سرشت
و راز جوی خلدش به هنگام آب
سرانجام هر کو به بار آورد
همان میوه تلخ بار آورد

پرداخت پول برای خرید رای

دولت نهم تمامی نیرو و امکانات خود را برای پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات بسیج کرده است و در این راه ثروت ملی و منابع عمومی را بر خلاف قانون هزینہ می کند. در آخرین روزهای اردیبهشت ماه اعلام شد، پرداخت سود ۷۶ هزارو ۳۰۰ تومانی سهام عدالت آغاز گردیده و سود این سهام به گروه کثیری تعلق خواهد

کارگر زندانی آزاد باید گردد!



منصور حیات غیبی همایون جابری غلامرضا خانی جعفر عظیم زاده شاهرور احسانی راد



علیرضا ثقفی سعید یوزی محمد اشرفی بهرام عابدینی

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

گرفت. در این باره دبیرخانه هیات واگذاری سهام عدالت اعلام کرد، در برنامه نخست و در اولین پله، ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از روستاییان و عشایر کشور سود سهام دریافت خواهند کرد که این مبلغ حدود ۴۲۰ میلیارد تومان بوده و از طریق بانک های صادرات، کشاورزی سپه و پست بانک پرداخت می شود. پس از پرداخت سود به روستاییان و عشایر، سود سهام حدود ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از کارکنان دولتی، بازنشستگان کشوری و لشگری شروع می شود و بانک های سپه، صادرات و ... آمادگی کامل برای ارایه پول به واجدین شرایط را دارند. در سومین مرحله ۱ میلیون نفر دیگر از روستاییان بعلاوه حدود ۴ میلیون تن از افراد تحت پوشش بهزیستی، کمیته امداد و اعضای بسیج سپاه پاسداران سود دریافت خواهند کرد. آغاز پرداخت سود سهام عدالت و اعلام مراحل آن در زمان برگزاری انتخابات نشان می دهد، هدف دولت خرید رای مردم و ابقای احمدی نژاد در کرسی ریاست قوه مجریه است.

علاوه بر این، به گزارش پایگاه اینترنتی اصلاحات ۲۸ اردیبهشت ماه اعضای ستاد انتخاباتی احمدی نژاد در شهرستان ها، میان مردم تراول چک های ۵۰ هزار تومانی توزیع می کنند. در شهرستان های پل دختر، ساوه، ایزه، کازرون، ماسال، بناب، منجیل پول میان بخشی اهالی تقسیم شده است. اصلاحات در این باره نوشت: "اعضای ستاد احمدی نژاد، خانه به خانه می روند و به ساکنین آن می گویند که شما نامه به آقای احمدی نژاد داده بودید؟ سپس تراول چک ۵۰ هزار تومانی به آنها تحویل می دهند. اعضای ستاد احمدی نژاد ضمن تحویل تراول چک ۵۰ هزار تومانی، به خانواده ها می گویند، ۸۰ هزار تومان هم بعد از انتخابات به در خانه آنها آورده می شود."

از سوی دیگر خبرگزاری آفتاب ۲۹ اردیبهشت ماه گزارش داد: "دختران کوی فاطمیه شب یکشنبه، یک به یک به دفتر کوی فراخوانده شدند و با پاکتی سفید رنگ در دست به اتاق های خود بازگشتند، درب این پاکت ها بسته بود و ضخامت ۲ میلی متری آنها خبر از هدیه دیگری داشت، هدیه ای که به گفته معاون دانشجویی دانشگاه تهران از سوی رییس جمهور به دانشجویان اهدا شده است، این هدیه ها عبارت بودند از، یک سیبا کارت بانک ملی به مبلغ ۵۰ هزار تومان که در پاکت سفید رنگی قرار داشت که روی آن "هدیه نهاد ریاست جمهوری" درج شده بود. همچنین به دانشجویان پسر دانشگاه تهران هم "هدایایی" ارسال شده شامل بن خرید کتاب بود. خبرگزاری آفتاب تاکید کرد که "هدایایی" ریاست جمهوری بوسیله بسیج دانشجویی و مسئولان دانشگاه توزیع شده است. آیا این گونه اقدامات جز خرید رای و عوام فریبی نام دیگری دارد؟ حیف و میل امکانات عمومی و ثروت ملی برای خرید رای در انتخابات!

ایجاد وحشت در جامعه با اجرای طرح انضباط اجتماعی

در هفته های منتهی به بیست و دوم خرداد یعنی زمان برگزاری انتخابات ارتجاع حاکم برای تاثیر گذاری بر روند انتخابات، دست به مانورهای گوناگون زده است. یکی از این برنامه ها، اجرای مرحله دیگری از طرح انضباط اجتماعی با عنوان طرح برخورد با ارادل و اوباش در تهران و شهرهای بزرگ است. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، در قالب این طرح ماموران یگان ویژه پلیس با استقرار در محل های تجمع "افراد شرور و ارادل و اوباش" که از قبل شناسایی گردیده، مبادرت به جمع آوری و دستگیری این افراد می کنند. مطابق این طرح یگان های ضربتی نیروهای انتظامی در ۴ منطقه تهران مستقر و عملیات سراسری را طی بیست و چهار

ساعت در کلیه نقاط شهر انجام می دهند. بازرسی خانه ها، توقف خودروها و بازرسی بدنی عابران پیاده و جز اینها در عملیات فوق صورت می گیرد.

همچنین به گزارش ایسنا ۲۶ اردیبهشت ماه، پاسدار رجب زاده فرمانده نیروهای انتظامی تهران بزرگ اعلام کرده، واحدهای ضربت فرماندهی نیروهای انتظامی تهران از سه ماه پیش برای چنین عملیاتی در سطح تهران خود را آماده کرده اند. پرسش اینجاست، چرا واحدهای ضربت نیروی انتظامی که هسته های بسیج سپاه آنها را همراهی می کنند، این تاریخ و زمان معین را انتخاب کرده اند؟! آیا میان این عملیات گسترده با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ارتباطی وجود ندارد؟ حضور واحدهای ضربت با لباس های سپاه مخصوص کماندویی که شامل نقاب بر صورت ماموران نیز می شود در خیابان های شهر بصورت بیست و چهار ساعته و بازدید خودروها، بازرسی بدنی عابران و حمله به خانه های مسکونی آیا معنایی جز وحشت آفرینی با مقاصد سیاسی مشخص دارد؟

این عملیات زمانی به اجرا گذاشته شده که رییس پلیس امنیت تهران نیز یادآوری کرده، گشت های ارشاد با تغییرات اساسی نسبت به گذشته فعالیت خواهند کرد. به این ترتیب با افزایش حضور پلیس، بسیج و ماموران امنیتی در شهرهای بزرگ بویژه شهر تهران، ارتجاع حاکم فضای انتخاباتی را تحت تاثیر قرار می دهد. ایجاد جو وحشت هدفی جز جنبش مردمی و سرکوب آن ندارد. پیام این طرح در آستانه انتخابات ریاست جمهوری کاملاً روشن است!

ادامه باید با تمام توان با توطئه های ...

فعالان و طرفداران اینجانب در دستور کار قرار گیرد. از جنابعالی می خواهم به اعتبار مصلحت جمهوری اسلامی ایران اوامر لازم را جهت جلوگیری از فضای یاد شده اعلام تا هوشیاری لازم در نهادهای مسوول بوجود آید."

در کنار این هشدار باش های موسوی و همچنین کارزار انتخاباتی کروی، انتشار نامه سرگشاده جمعی از کارکنان وزارت کشور درباره برنامه مزدوران ارتجاع برای تغییر و دستکاری آرا مردم در ستاد انتخابات کشور در این زمینه بسیار افشاگرانه است. در این نامه که رونوشت آن به ریاست مجلس خبرگان، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست قوه قضائیه، ریاست کمیته صیانت از آرا مردم، مسئول بازرسی دفتر خامنه ای، ریاست سازمان بازرسی کل کشور و کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ارسال شده از جمله آمده است: "اینجانبان از کارکنان متعهد، متخصص و ایثارگر وزارت کشور، با سابقه کارشناسی و مدیریتی در برگزاری انتخابات متعدد، بعضاً از دوره های آیت الله خامنه ای، آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام و المسلمین خاتمی اعلام می نماییم؛ از سلامت انتخابات کنونی به دلایلی که شرح خواهیم داد، احساس خطر می کنیم. اهداف و برنامه ریزی در ستاد انتخابات کشور، به طور آشکار و متقنی به سمت صیانت و سلامت از آراء مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ پیش نمی رود، این موضوع نیز در برگزاری انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در روز جمعه ۲۴ اسفند ۸۶ به نحوی شاهد آن بوده ایم، اما از بیم و هراس آینده شغلی خود دم فرو بستیم، ولیکن دچار عذاب وجدانی شده ایم که هنوز ادامه دارد، هم اکنون آن شرایط و فضای ناسالم به وضوح قابل درک، مشاهده و به مراتب بدتر از آن زمان است و این مشکل اساسی را تعدادی از کارشناسان اصیل و باوجدان وزارت کشور در ستاد انتخابات کشور و یا وزارتخانه فعال هستند، بدان اذعان دارند، اما متأسفانه با دلی پرخون جز اطلاع رسانی پر بیم و هراس، کاری از دستشان بر نمی آید."

بیانیه به ۱۰ مورد مشخص برنامه ریزی شده برای تقلب در انتخابات اشاره می کند و از جمله می نویسد: "چاپ ۱۲ میلیون تعرفه اضافی قابل تامل است. بنا به رویت صورتجلسه ای دیگر، اکنون بیش از ۵۸ میلیون تعرفه برای ۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار واجد شرایط چاپ رسیده است، در حالی که رییس ستاد انتخابات کشور در گفت و گو با رسانه های جمعی در تاریخ ۶ خرداد ۸۸ اعلام کرد: حدود ۵۷ میلیون برگ رای برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چاپ شده است. بر این اساس، اگر حتی اسناد موجود را ملاک قرار دهیم، در این بخش از نامبرده (مجرى و امانتدار انتخابات) برای بیش از یک میلیون تعرفه دورغ گفته شده است. بدین ترتیب برای معادل ۵/۲۸ درصد از کل واجدین شرایط تعرفه اضافی چاپ شده است."

بر این مجموعه خبری باید فعالیت گسترده در پادگان های نظامی برای جمع آوری رای و همچنین هزاران صندوق سیار آرا را افزود تا روشن شود که چگونه مزدوران دولت احمدی نژاد در تلاشند تا آزاری مردم را مخدوش و پایمال کنند.

ما در هفته های اخیر ضمن هشدار درباره ترغیب ها و برنامه های مرتجعان حاکم برای ضربه زدن به روند انتخابات تاکید کرده و می کنیم که تنها با حضور نیرومندی میلیونی توده ها و اعمال اراده و نظارت آنهاست که می توان توطئه های "ذوب شدگان" در ولایت را با شکست تاریخی بی رو به رو کرد. حرکت های اعتراضی سراسری، حضور نیرومندی مردمی در حوزه های رای گیری و موضع گیری قاطع نامزدهای اصلاح طلب در مقابل برنامه های احمدی نژاد و متحدانی نظامی او یگانه راه تأمین منافع و رای توده ها در انتخابات پیش روست.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

مأبوس از روند اصلاحات از شرکت در انتخابات خودداری کنند. انشقاق مخرب در صفوف اصلاح طلب حکومتی و تحریم انتخابات از سوی بخش های وسیعی از نیروهای دگراندیش و آزادی خواه، این امکان را به ارتجاع داد تا با سازمان دهی گسترده همه امکانات خود و با به میدان آوردن نیروهای نظامی و انتظامی مناسبترین مهره برای انجام برنامه های خود را از صندوق های رای بیرون آورد.

پس از گذشت چهار سال از دولت احمدی نژاد بخش های وسیعی از مردم، نیروهای اجتماعی، و نیروهای دگراندیش و آزادی خواه جامعه با دید متفاوتی از خرداد ۸۴، و با تجربه سیاست های مخرب این دولت و اثرات مستقیم و غیر مستقیم آن بر زندگی روزمره شان به استقبال انتخابات می روند و نشانه های موجود حاکی از خواست عمومی مردم برای شرکت در انتخابات و رهایی یافتن از دولت احمدی نژاد است. این خواست را باید در روزهای اخیر به نیروی گسترده اجتماعی حاضر در پای صندوق های رای تبدیل کرد.

امکانات، دشواری ها و بغرنجی های پیش رو

روند انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با ورود میرحسین موسوی و خروج ناهینگام خاتمی، که بی شک به خاطر موضع گیری های مستقیم و غیر مستقیم ولی فقیه صورت گرفت با دشواری ها و بغرنجی های جدی رو به رو بوده است. ما در هفته های پیش ضمن انتقاد به روشن نبودن سیاست های انتخاباتی نامزدهای اصلاح طلب خواهان روشن شدن مواضع این نامزدها شدیم.

در مقابل نامزدهای اصلاح طلبان، محمود احمدی نژاد، به عنوان نماینده بخش های نظامی-انتظامی و نزدیک به خامنه ای و محسن رضایی، به عنوان نامزد بخش هایی از نیروهای اصول گرای مخالف احمدی نژاد، که معتقدند چهار سال دولت احمدی نژاد و شیوه عمیقاً انحصار طلبانه آن به منافع آنها نیز ضربه زده است، و در شرایط اختلاف نظرهای جدی در صفوف نیروهای "دوب شده در ولایت" مبنی بر بی کفایتی دولت احمدی نژاد در صحنه انتخاباتی حضور دارند.

آنچه مسلم است این واقعیت است که اگر انتخابات بدون دخالت های وسیع و تقلبات گسترده نیروهای وابسته به سپاه، بسیج و گروه های قداره بند وابسته به دفتر ولی فقیه برگزار شود، افرادی نظیر احمدی نژاد و رضایی با شکست سنگینی رو به رو خواهند بود. تمام شواهد و گزارش های رسیده حاکی از آن است که سران ارتجاع با علم به این واقعیت مترصدند تا با سازمان دهی تقلبات گسترده یکی از نامزدهای خود را از صندوق های رای بیرون آورند. شکست این برنامه تنها و تنها با حضور نیرومند، گسترده و میلیونی توده ها در پای صندوق های رای و تحمیل نظارت مردمی بر انتخابات امکان پذیر است.

اینک با توجه به تجربه چهار سال گذشته، واقعیات عینی و ذهنی جامعه ما، سطح سازمان یافتگی نیروهای اجتماعی و نقش و توانمندی نیروهای سیاسی کشور نمی توان با برداشت های غیر واقع بینانه با رای به عدم شرکت در انتخابات در مقابل تحولات بی طرف ماند. بی طرف ماندن و نظاره گر حوادث بودن در اوضاع کنونی تنها به نفع سیاست های از هر جهت بحران زای دولت احمدی نژاد است. مبارزه انتخاباتی، عرصه مهم مبارزه سیاسی بر ضد رژیم ولایت فقیه و افشای کارنامه ضد مردمی رژیم و دولت برگمارده آن در زمینه های گوناگون است. در عین حال انتخابات فرصتی است برای بسیج نیروهای اجتماعی کشور، برای همکاری و تلاش مشترک نیروهای مترقی و آزادی خواه، و همچنین برای بسیج و سازمان دهی نیرو و گسترش امکانات جنبش برای مقابله با برنامه های ارتجاع. تشویق مردم به خانه نشینی و تحریم انتخابات، به بهانه "مشروعیت بخشیدن" به رژیم ولایت فقیه، نه تنها معضلی را از معضلات کنونی برطرف نمی کند بلکه در راستای سیاست ارتجاع برای کنترل نتیجه انتخابات است. عدم شرکت در انتخابات تنها در صورتی توجیه پذیر بود که می توانست سلاحی برنده در نفی رژیم ولایت فقیه تبدیل شود. بهره برداری از امکانات محدود کنونی برای سازمان دهی نیروهای اجتماعی و تلاش برای تحمیل خواست های مردمی به نامزدهای اصلاح طلبان حکومتی گامی در راه احیای روحیه مبارزه طلبی و فایق شدن بر عقب گردهای ناشی از نتایج انتخابات گذشته و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد است.

نامزدهای انتخاباتی و حزب ما

ما از همان فردای روشن شدن نهایی شرکت دو نامزد گروه های اصلاح طلبان حکومتی بر ضرورت روشن شدن مواضع و سیاست های آنان تأکید کرده ایم. در هفته های اخیر هر دو نماینده گروه های اصلاح طلب در موضع گیری های متفاوتی نظرات خود را در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اعلام کرده اند. حزب ما ضمن بررسی برنامه های اعلام شده از سوی نامزدهای اصلاح طلبان حکومتی، و همچنین بررسی کارنامه عملکرد گذشته میر حسین موسوی و کروی معتقد است که توان این نامزدها، حتی در صورت پایبندیشان به قول ها و برنامه های اعلام شده می تواند در سطحی محدود به احیای روند اصلاحات یاری رساند. تجربه هشت سال دولت خاتمی نشان داد که حفظ ساختارهای قدرت در ایران، مامشات و تمکین در مقابل رژیم ولایت فقیه و عدم اتکاء به توده های مردم، سدی جدی در مقابل تحولات مثبت در جامعه ماست. مسئله تأمین آزادی ها و حقوق مردم، و گام گذاشتن در راه تحولات بنیادین و دموکراتیک، در کشوری که قانون و دستگاه های اجرایی آن و نیروهای نظامی و انتظامی، به صورت انحصاری، در دست یک نفر، ولی فقیه، تمرکز یافته است، امکان پذیر نیست و تنها با طرد چنین ساختار حکومتی است که می توان به چنین تغییراتی دست یافت. روند اصلاحات تنها ایجاد فرصت برای سازمان دهی و رشد جنبش مردمی و تجهیز آنچنان نیروی اجتماعی است که بتواند سرانجام اراده توده ها را به مرتجعان حاکم تحمیل کند. بر این اساس حزب ما روند انتخابات کنونی را نه در چارچوب رای دادن به موسوی یا کروی، بلکه تجهیز نیرو برای شکست محمود احمدی نژاد و محسن رضایی، به عنوان نامزدهای رژیم ولایت فقیه می داند. رای دادن به نامزدهای اصلاح طلبان در شرایط موجود رای منفی دادن به رژیم ولایت فقیه و نامزدهای آن در انتخابات است. ما اطمینان داریم که مردم با هوشیاری این مهم را به انجام خواهند رساند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران مردم آگاه میهن و همه نیروهای مدافع اصلاحات، آزادی و عدالت را به تلاش و مبارزه مشترک برای شکست دادن نامزد های ارتجاع، یعنی محمود احمدی نژاد و محسن رضایی فرا می خواند. تحقق چنین امری گامی هر چند کوچک در تخفیف فشارهای کنونی و حرکت به سمت احیای روند اصلاحات و بازسازی نیروهای اجتماعی برای مبارزه سرنوشت ساز آینده در راه طرد رژیم ولایت فقیه است. در چنین شرایطی ارتجاع حاکم با تمام امکانات خود خواهد کوشید تا جلوی اعمال اراده توده ها را سد کند. مرتجعان حاکم با توجه به تجربه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری خوب می دانند که اگر موفق شوند با اعمال فشارها، کارزار تبلیغاتی حساب شده جلوی شرکت بخش وسیعی از شهروندان، نیروهای سیاسی و اجتماعی میهن ما را در انتخابات بگیرند و همچنین دخالت وسیع نیروهای سرکوبگر، از جمله بسیج را در انتخابات تأمین کنند، خواهند توانست مجدداً احمدی نژاد و احمدی نژاد دیگری را از صندوق های رای بیرون آورند. تنها راه مقابله با این ترفندهای رژیم حضور نیرومند و میلیونی توده ها در پای صندوق های رای و سازمان دهی کارزارهای اعتراضی بر ضد تقلبات و مداخلات نیروهای وابسته به ولی فقیه در روند انتخابات است. وحدت اراده و عمل توده های میلیونی رای دهنده، در این حساس ترین دوره انتخابات کشور می تواند نقشی موثر به نفع مصالح ملی و حل معضلات جدی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی کشور ایفاء کند. زمان و شرایط در خانه نشستن و صندوق های رای را انحصاراً به اعوان و انصار ولی فقیه واگذاشتن نیست. جای خالی میلیون ها رای توده ها با رای های فرمایشی و ساختگی انحصار گران حکومتی پر خواهد شد. و این چنین مباد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۴ خرداد ماه ۱۳۸۸

ادامه مصاحبه "نامه مردم" ...

هستید؟ هر کدام از اعضای ائتلاف چه نقش یا تأثیر عمده یا تعیین کننده‌ای در این ائتلاف دارند؟

کریس ماتلهاکو: به نظر ما در مبارزه کنونی نقش نیروهای چپ مؤتلف کنگره ملی آفریقا حائز اهمیت زیادی برای نیروهای حاکم در آفریقای جنوبی خواهد بود. افزایش نابرابری و بیکاری در آفریقای جنوبی چالش بزرگ و مهمی برای حزب بوده و هست. این امر مهمی است که احزاب در مقابل این وضع چه موضعی اتخاذ می‌کنند و چه واکنشی نشان می‌دهند. کنگره اخیر حزب، یعنی کنگره ۱۲، توانست با توجه به راه ویژه آفریقای جنوبی به سوی سوسیالیسم، به درستی نسبت به این مسئله موضع‌گیری کند. در این کنگره، حزب ۵ نماد و نهاد قدرت را مشخص کرد و برشمرد که حزب تلاش خواهد کرد رهبری آنها را به دست آورد. دولت، به عنوان متمرکزترین قدرت سیاسی کشور، یکی از این نهادهای کلیدی مبارزه برای کسب قدرت است و حزب در این مبارزه فعالانه شرکت خواهد کرد. حزب اکنون در حال تدقیق تعریف آن چیزی است که از یک ائتلاف انتظار دارد.

ائتلاف پیش از سال ۱۹۹۴ مبتنی بر مشارکت هر یک از اعضا در مبارزه در شرایط متفاوت همان سال‌های پیش از ۱۹۹۴ بود. شرایط سال‌های پس از ۱۹۹۴ بسیار متفاوت است و اکنون نگاه متفاوتی به ائتلاف را می‌طلبد. به نظر ما پس از ۱۹۹۴ که کنگره ملی آفریقا حزب حاکم بر کشور شد، حزب کمونیست آفریقای جنوبی نیز حیطه قدرت خودش را مشخص و روشن کرد. این حوزه قدرت و فعالیت می‌بایست نه تنها در متن و بطن ائتلاف و چارچوب کنگره ملی آفریقا، بلکه با عنایت به ساختارها و دستگاه‌های دولتی نیز تعریف می‌شد. کاری که کنگره ۱۲ حزب کرد آن بود که خواهان بازنگری و تحول در اتحاد و ائتلاف میان حزب و کنگره ملی شد. هم اکنون برخی از عناصر و وجوه این ائتلاف بازسازی و بازتعریف شده، خود را در شرایط متفاوت کنونی ائتلاف نشان می‌دهند. کنگره خواهان آن شد که حزب نامزدهای مستقل خودش را، به نام نامزدهای حزب کمونیست، برای نمایندگی مجلس مقننه کشور معرفی کند. این نمایندگان در برابر حزب پاسخگو خواهند بود. حزب همچنین مسئولیت خاصی را به عهده این نامزدها خواهد گذاشت که عبارت است از حصول اطمینان از آنکه کنگره ملی به وظیفه تاریخی خود در مورد حل و فصل و رسیدگی به مسائل تاریخی و سنتی بازمانده از استعمار در آفریقای جنوبی عمل می‌کند. بازنگری در ماهیت ائتلاف فقط یک وجه قضیه در ارتباط با تعریف مجدد ائتلاف است. این ائتلاف نه فقط برای کنگره ملی و حزب کمونیست و کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی اهمیت بسیاری دارد، بلکه به واقع برای اجرای یک وظیفه تاریخی دیگر نیز حائز اهمیت است، که همانا انقلاب دموکراتیک بعدی در آفریقای جنوبی است!

نامه مردم: در ارتباط با موضوع بازنگری و بازسازی ائتلاف که به آن اشاره کردید، آیا فکر می‌کنید در آینده ممکن است وضعی پیش بیاید که حزب کمونیست در انتخابات و برای کسب قدرت دولتی در برابر کنگره ملی آفریقا قرار بگیرد؟

کریس ماتلهاکو: اتفاقاً واقعیت برعکس این است. کارکرد ائتلاف ما که متشکل از سه رکن در اجرای انقلاب دموکراتیک ملی است، در واقع در سبوری طبیعی و طولانی مدت و در جریان مبارزه خود به خود به انحلال کنگره ملی آفریقا به عنوان یک نهضت آزادی‌بخش خواهد انجامید و این در زمانی خواهد بود که تضادهای طبقاتی تشدید شده و به مرحله خاصی برسد. به باور ما در آن مرحله کنگره ملی آفریقا به وظیفه تاریخی‌ای که به عهده‌اش گذاشته شده، عمل کرده و در واقع نقش تاریخی آن انجام شده و پایان یافته است. این یک فرایند دیالکتیکی است. اعتلا و حرکت مثبت جنبش به پیش در ارتباط با وظایف مربوط به انقلاب دموکراتیک ملی شرایطی را ایجاد خواهد کرد که موضوعیت کنگره ملی آفریقا از بین خواهد رفت. در چنین روندی و به صورتی طبیعی و قانونمند سامان‌دهی دوباره ائتلاف عملاً رهبری جنبش مردمی را به حزب کمونیست آفریقا محول خواهد کرد چرا که شرایط طوری خواهد بود که تضادهای طبقاتی در آفریقای جنوبی وسعت یافته است. این بدان معناست که وظایف و چالش‌های در پیش روی ائتلاف، که در حال حاضر تحت رهبری کنگره ملی آفریقا می‌باشد، از مسئله نابرابری نژادی و مسئله تضادهای موجود در شرایط تاریخی کنونی پیش تر رفته است... و به جایی می‌رسد که تضادهای طبقاتی آن چنان حاد و مطرح خواهند شد که نقش رهبری و پیشاهنگی طبقه کارگر به عهده حزب کمونیست

دور از مناطق و مراکز شهری از قبیل مراکز اداری و تجاری و اقتصادی، زندگی می‌کنند. شهرک‌های فقیرنشین در ۵ یا ۱۰ کیلومتری مراکز شهری و محل کار مردم قرار دارند، و مردم برای آمد و شد به کار و منزل‌شان، باید مسافت زیادی را طی کنند. این در حالی است که محل سکونت سفیدپوستان به طور عمده در حومه‌های نزدیک به شهر، و خیلی نزدیک به مراکز شهری است. این وضع نه فقط بار اقتصادی اضافی بر دوش سیاهان است، بلکه تجمع موضعی سیاهپوستان را تداوم می‌بخشد، که هنوز هم شاهد آن هستیم. علت هم این است که مردم تهیدست‌تر در "گتو"ها و دور از شهرها ساکن‌اند، در حالی که سفیدپوستان طبقه متوسط و بالا در خود شهرها یا خیلی نزدیک به شهرها زندگی می‌کنند. از یک سو، تغییراتی که در خدمات اجتماعی کشور ایجاد شده، منجر به بروز مشکلاتی هم شده است و نژادگرایی تداوم یافته است. برای مثال، فقط کسانی به مدارس خصوصی دسترسی دارند که بضاعتش را دارند، و آنها که بضاعت استفاده از این مدارس را دارند، غالباً از سفیدپوستان هستند. البته شماری از سیاهپوستان نیز که از مناطق خارج شهر به شهرها و مناطق سفیدپوست‌نشین مهاجرت کرده‌اند، این امکان را پیدا کرده‌اند که بتوانند فرزندانشان را به این مدارس خصوصی بفرستند. کیفیت آموزش و تدریس در مدارس خصوصی معمولاً بهتر است. به همین دلیل، آنها که توانسته‌اند از شهرک‌های اطراف به درون شهرها مهاجرت کنند، اکنون به امکانات آموزشی بهتری دست یافته‌اند. در حالی که اکثریت آنهایی که قادر به کوچ به داخل شهرها نبوده‌اند، کماکان در فقر و نداری در شهرک‌های اطراف دست و پا می‌زنند؛ جایی که مرکز بیماری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و ... است. به این ترتیب است که می‌بینیم نژادگرایی و تبعیض نژادی تداوم دارد.

وضعیت مشابهی را نیز در رسانه‌های کشور می‌بینیم. از آنجا که رسانه‌های کشور کماکان در مالکیت خصوصی هستند، همواره نگاهشان به سوی غرب است، و همواره و به طرق مختلف در کار انعکاس و رواج دادن گرایش‌های فرهنگی و غیره از غرب به جامعه آفریقای جنوبی هستند. در نتیجه، در تلاش‌هایی که برای ساختن یک ملت مستقل صورت می‌گیرد تا روئینایی ایجاد شود که در تمام زمینه‌ها متعلق به کل آفریقای جنوبی باشد، از زبان گرفته تا مذهب و ویژگی‌های جغرافیایی و ... خدشه ایجاد می‌شود. اینها چالش‌هایی هستند که در زمینه‌های مختلف و به طور جدی وجود دارند. اگرچه تبعیض نژادی از لحاظ قانونی لغا شده است، اما هنوز شاهد ادامه آن هستیم. آنچه وضع را بغرنج‌تر و وخیم‌تر می‌کند، حملاتی است که هر از گاهی از سوی چند سفیدپوست نارام و ستیزه‌جو علیه سیاهپوستان صورت می‌گیرد. این عده خیلی راحت و بی دغدغه به سراغ سیاهپوستان می‌روند و آنها را می‌کشند. روشن است که این امر موجب تداوم نژادگرایی می‌شود. به نظر ما این مسئله‌ای است که باید با قاطعیت با آن برخورد شود.

نامه مردم: پرسش بعدی در مورد رهبری جدید کنگره ملی آفریقا و دولت آن کشور است. دولت جدید چه ویژگی‌هایی دارد که موجب خوش بینی حزب کمونیست آفریقای جنوبی نسبت به وضعیت موجود و دگرگونی‌های آتی است؟

کریس ماتلهاکو: برداشت روشنی که ما از رهبری جدید کنگره ملی داریم این است که این رهبری فکر بازی نسبت به مسایل دارد، و ائتلاف تاریخی میان حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی (COSATU) را درک می‌کند و به آن ارجح می‌گذارد. در گذشته، این ائتلاف را جدی نمی‌گرفتند و حتی برخی از اعضای رهبری پیشین کنگره ملی بین حزب کمونیست و کنگره سندیکاهای و کنگره ملی تفرقه‌افکنی می‌کردند تا بتوانند مقاصد سیاسی خود را پیاده کنند و قصد خود برای در کنترل گرفتن کنگره ملی آفریقا و تبدیل آن به یک جریان مدافع سوسیال دموکراسی را به اجرا بگذارند.

اما این بار کنگره ملی آفریقا به رهبری چیکوب زوما، نسبت به حفظ رابطه احترام‌آمیز و سازنده میان اعضای ائتلاف بسیار متعهد است. این بدان معناست که کنگره ملی آفریقای جنوبی که نهضت آزادی‌بخش ملی گسترده‌ای است با گرایش به سمت طبقه کارگر و تهی‌دستان، از نظریات و چشم‌اندازهای حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی برخوردار خواهد بود که نیروهای مترقی چپ‌گرا را نمایندگی می‌کنند، نیروهایی که به پیش برنده تغییر و دگرگونی در انقلاب آفریقای جنوبی هستند و بسیار به آینده امیدوارند. بنابراین نیروی مترقی و پیش برنده در کنگره ملی می‌تواند مهر خود را بر رهبری کنگره ملی بزند، و برنامه کار و خواست‌های طبقه کارگر و زحمتکش‌ان و تهی‌دستان را در این چارچوب به پیش ببرد. از لحاظ تاریخی، تنها وسیله‌ای که این نیروها در اختیار دارند، همین نهضت آزادی‌بخش ملی مترقی، یعنی کنگره ملی آفریقا است.

نامه مردم: اجازه بدهید درباره این ائتلاف سه‌گانه پیرسم، شما در آینده کنگره ملی آفریقا، برای حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی که دو مؤلفه چپ‌گرای ائتلاف سه‌گانه محسوب می‌شوند، چه نقشی قائل



گذاشته می شود باید همراه باشد با ایجاد کار و فرصت های شغلی تا مردم درآمد داشته باشند و بتوانند سطح زندگی شان را بالا ببرند و پس انداز و دارایی هایشان را افزایش دهند. به نظر ما این امر بسیار مهمی است.

به علاوه، پیشنهادهایی که ما درباره راهبردهای اجتماعی مطرح می کنیم هدف دیگری را نیز دنبال می کند و آن اینکه بتوان سطح زندگی مردم را در همه مناطق آفریقای جنوبی بالا برد و نه فقط در مناطقی خاص. ما

شاهد وضعیت هشدار دهنده ای بوده ایم که مردم از مناطق فقیرتر و کمتر توسعه یافته به مناطق شهری مهاجرت کرده اند و در نتیجه با مسئله افزایش جرم و دیگر ناهنجاری های اجتماعی روبه رو شده ایم. اگرچه راهبرد صنعتی شاید پاسخگوی همه مشکلات و مسائل ما نباشد، اما به نظر ما امر تعیین کننده و مهمی است. همچنین، با توجه به بحران مالی جهانی کنونی، ضروری است که آفریقای جنوبی خودش را از آسیب های این بحران مصون نگاه دارد تا در درجه نخست بتواند تعهد و وظیفه اش را نسبت به مردمی که در جریان انتخابات در رأی گیری ها شرکت کردند ادا کند. نمایندگان مردم در برابر مردم و انتخاب کنندگان مسئول هستند.

نامه مردم: شما به تلاش های کنگره ملی آفریقا در ۱۴ سال اخیر برای زدودن نژادگرایی اشاره کردید. اما آیا به نظر شما امروز آفریقای جنوبی از برابری نژادی برخوردار است؟ گزارش هایی منتشر شده است که حاکی از ادامه تقسیم نژادی در آفریقای جنوبی است، و برخی نیز معتقدند که این شکاف از برخی لحاظ حتی عمیق تر هم شده است. و سؤال دیگر اینکه آیا امروز در آفریقای جنوبی عدالت و مساوات برقرار است؟ به عبارت دیگر، آیا ثروت اقتصادی کشور بین مردم به طور مساوی توزیع می شود یا نه؟ برخی معتقدند که جامعه آفریقای جنوبی امروز به شدت نابرابر است و اختلاف درآمدها در آن بسیار زیاد است. نظر شما در این مورد چیست؟

کریس ماتلهاکو: واقعیت این است که در میان کشورهای با درآمد متوسط، آفریقای جنوبی پس از برزیل نابرابرترین جامعه است. درست است که نژادگرایی در آفریقای جنوبی رسماً لغو شده است؛ یک چارچوب و نظام حقوقی معین در کشور برقرار شده است؛ دادگاه های قضایی وجود دارند؛ قانون وجود دارد؛ و همه کس به خدمات اجتماعی دسترسی دارد، و غیره... اما در عمل هنوز نژادگرایی نامحسوسی در جامعه وجود دارد که در اساس یک مسئله تاریخی است. ببینید، نظام مسکن و اسکان سابق که مبتنی بر نژاد بود هنوز هم وجود دارد. توسعه مناطق زیستی هنوز به طور برابر صورت نمی گیرد. هنوز می بینیم که مردم فقیرتر در مناطقی بسیار

مصاحبه "نامه مردم" با رفیق کریس ماتلهاکو، عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی

ادامه روند انقلاب دموکراتیک ملی در آفریقای جنوبی

در چارچوب ملاقات هیئت های نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست آفریقای جنوبی، "نامه مردم" مصاحبه مفصلی بی را با رفیق کریس ماتلهاکو، اقتصاد دان و مسئول امور بین المللی حزب آفریقای جنوبی انجام داد. در این مصاحبه مسایل متعددی و از جمله روند شکل گیری جناح مدافع نولیبرالیسم در کنگره ملی آفریقا، "ک.م.ا."، نتایج ۸ ساله ریاست جمهوری تابو میکی، رابطه بغرنج، سیستماتیک و دیالتیکی بین حزب کمونیست آفریقای جنوبی و "ک.م.ا." و همچنین روند مبارزه برای به انزوا کشیدن تابو میکی و مدافعان نولیبرالیسم در آفریقای جنوبی و نهایتاً برکناری رئیس جمهور در شهریور گذشته و انتخابات اخیر مطرح و مورد بحث قرار گرفت. در ادامه بخش هایی از این مصاحبه در رابطه با تحولات اخیر آفریقای جنوبی برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" منتشر می شود

نامه مردم: طرفداران و مدافعان دولت آفریقای جنوبی ادعا می کنند که تغییراتی که در کشور رخ داده است، به سود طبقه کارگر و به ویژه تنگدستان سیاهپوست بوده است. نظر شما در این مورد این ادعا چیست؟ در مورد چگونگی شرایط زندگی میلیون ها سیاهپوست و آنهایی که در شهرک های سیاهپوست نشین زندگی می کردند، و در سال ۱۹۹۴ به امید تغییر به پای صندوق های رأی رفتند، نظراتان چیست؟

کریس ماتلهاکو: به نظر ما در حزب کمونیست آفریقای جنوبی، انتظاراتی که میلیون ها شرکت کننده در نخستین انتخابات دموکراتیک برای ایجاد یک تغییر پایه ای و دموکراتیک در آفریقای جنوبی داشتند، برآورده نشده است و تغییر چشمگیری در بهبود زندگی مردم ما رخ نداده است. در زمینه اقتصادی، اصولاً ما نتوانسته ایم اقتصاد آفریقای جنوبی را چنان رونقی بدهیم که بتوانیم نرخ بیکاری را کاهش دهیم. طبق آمار موجود، نرخ بیکاری اعلام شده در آفریقای جنوبی در حدود ۲۳ درصد است، ولی اگر مجموع نیمه بیکارها و نیز بیکاری های پنهان را نیز به حساب آوریم، نرخ بیکاری در حدود ۴۶ درصد خواهد بود که به معنای وجود تعداد بسیار زیادی بیکار در کشور است. به این ترتیب، به نظر ما مهمترین چالش انقلاب آفریقای جنوبی، ایجاد دگرگونی های بنیادی در اقتصاد کشور است. در حالی که قبلاً مرکز توجه کنگره ملی آفریقا زدودن نژادگرایی در اقتصاد کشور بود، اما اعتقاد ما امروز اینست که باید به دگرگون کردن بنیادی اقتصاد اهمیت داده شود. ما در حزب کمونیست آفریقای جنوبی خواستار آن شده ایم که سیاست صنعتی معینی برای کمک به افزایش ظرفیت صنعتی اقتصاد کشور، افزایش ظرفیت تولید در اقتصاد، و در نتیجه بهبود وضع اقتصادی مردم تدوین شود، به طوری که بتوانیم وضعیت زندگی و میزان نقدینگی مردم کشورمان را بهبود بخشیم. نقض غرض خواهد بود اگر دولت به مردم خانه بدهد ولی آنها پول برق کشی نداشته باشند یا پول نداشته باشند غذا بخرند. ما شاهد موارد زیادی بوده ایم که دولت خانه ای را به شخصی داده است، ولی آن شخص یا خانه را به اجاره داده است یا آن را فروخته و در نقطه دیگری از شهر الونکی برای خودش دست و پا کرده است، چرا که به پول نیاز داشته است تا غذا و دیگر مایحتاج زندگی را بخرد. ما باید کاری کنیم که این دور باطل را بشکنیم. امکانات اجتماعی که در اختیار مردم

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۶۰۰ یورو

به مناسبت اول ماه مه از برلین

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 818
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 8 June 2009

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse